

«من عرف نفسه فقد عرف ربه»

نوجوان خودرا هبیر

یک موقعیت واقعی

فردی یک شبهه دینی دارد. شبهه اش را با آب و تاب و حق به جانب برای شما نقل می کند.

شما چه می کنید؟

یک موقعیت واقعی

تا به حال برایتان پیش آمده که شبهه‌ای وارد کنید و

یک انسان قدرتمند به میدان بیاید و

با قوی‌ترین استدلالات سعی در قانع کردن شما داشته باشد؟

یک موقعیت واقعی

تا به حال برایتان پیش آمده که در همان لحظه یا بعد از آن به نظرتان
حرف‌هایش منطقی بیاید اما نخواهید یا نتوانید از او قبول کنید؟
به شما چه می‌گذرد؟

یک موقعیت فرضی

فرض کنید در یک جمع خیلی مقید و رسمی نشسته‌اید
و از یک رفتار از جنس مخالف به شدت خسته و ناراحتید.
یکی از افراد جمع حالتان را می‌پرسد و شما در اوج خستگی
جمله‌ای تعمیمی درباره آقایان/خانم‌ها بر زبان می‌آورید.

(مردها همه . . . هستن! / خانم‌ها را که می‌شناسی!)

ادامه یک موقعیت فرضی

خانم یا آقای با ظاهر مذهبی شروع می کند به تصحیح مغالطه ای که کردید.
شما به خانه برمی گردید و ذهنتان درگیر انواع فکرها می شود.
این فکرها به انتخاب بعدی شما جهت می دهد.

منشاء شبهه

منشاء شبهه می‌تواند یک سوال واقعی باشد یا نباشد!
ممکن است پای نیاز به آگاهی، همدلی، دیده شدن،
احترام، استقلال و . . . به میان باشد.

چقدر به دنبال پاسخ‌های قانع کننده و منطقی برای
رفع شبهات افراد گشته‌ایم؟؟

مواجهه موثر با شبهه

شبهه همیشه معرفتی نیست.

گاهی فقط زبان دوم رنج است.

آنچه به ظاهر شبهه است، ممکن است فریاد یک نیاز عاطفی باشد.

ترجمه شبهه به زبان نیاز

که چی همش میگی نماز بخونم؟ ← احترام، استقلال

چرا خدا به فقیرا کمک نمی کنه؟ ← امنیت، عدالت

اگه همه چی دست خداست پس چرا فلانی شفا نگرفت؟ ← دل بستگی

ما نهایتا نیاز را حدس می زنیم و به سراغ رفع آن می رویم.

خودراهبری

حضور و آگاهی انسان به منشاء اعمال خود و
تلاش مداوم برای مدیریت آگاهانه اعمال بر اساس
ارزش‌ها(قطب‌نمای زندگی)

خودراهبری

۱. حضور و آگاهی انسان به منشاء اعمال
۲. آگاهی به ارزش‌ها (مسیر/قطب‌نما)
۳. تلاش برای مدیریت آگاهانه اعمال بر اساس ارزش‌ها

نمونه

من چادر سر می‌کنم.
سوال من از خودم: چرا من چادر سر می‌کنم؟

چون به حجاب قائلم.
چون با این پوشش احساس راحتی دارم.
چون بهش عادت دارم.
چون می‌خواهم پیش آدم‌های مذهبی خوب جلوه کنم.
چون برای رسیدن به هدف . . . شرط سر کردن چادر است.
چون از دست . . . که دائم چادرم را مسخره می‌کنه لجم می‌گیرد.
چون از خانواده و آبروی خانوادگی می‌ترسم.
...

منشاء اعمال

راهبر زندگی من کیست؟

یک احساس نیرومند: ترس، اضطراب، راحتی، شوق . . .

یک فکر: من عادت دارم.

یک خاطره: یادمه بچه بودم در اتوبوس فقط به خانم چادری توهین نشد.

یک علامت بدنی: وقتی چادر سر نمی‌کنم ضربان قلبم بالا می‌رود.

یک میل: از لج فلانی چادر سر می‌کنم.

انتخاب بر اساس هوشیاری به منشاء اعمال

می‌خواهم راهبر زندگی من چه کسی باشد؟

قطب نمای زندگی

انتخاب بر اساس هوشیاری به منشاء اعمال

می‌خواهم راهبر زندگی من چه کسی باشد؟

قطب نمای زندگی

نوجوان خودرا هبر

نوجوان از چه زمانی می تواند به این آگاهی برسد؟

چگونه می توان نوجوان را در این مسیر انداخت؟

چه مدل گفتگویی با نوجوان کارآمد است؟